

توجه مسلمانان به علوم بیگانه

- * اقتباس از علوم یونانیان و رومیان
- * امتیاز مسلمانان از یونانیان، رومیان
- * چگونه مسلمین بفکر آموختن این علوم افتادند ؟
- * اولین کتابی که ترجمه شد .

در شماره های قبل گفته شد ، اسلام در انقلاب و تحولی که در شئون مختلف زندگی مردم بوجود آورد شالوده يك نهضت بزرگ علمی را ریخت و بدنبال آن مدرسه ها و کتابخانه ها پدید آمد و دانشمندان و محققین بزرگ و نوشته های پر ارزش بجهان انسانی عرضه شد . ولی همانطور که طفل در رسیدن به مراحل عالیّه تحقیق و فکر، باید مراحل ابتدائی و متوسط را پشت سر گذاشته و پله های نردبان ترقی را یکی بعد از دیگری به پیماید . اقوام متمدن عالم نیز قبل از رسیدن باوج عظمت دوران یاد گیری ابتدائی را پیموده اند .

در تاریخ تمدن ملل هیچ دیده نمیشود و شاید امکان ندارد که ملت و قومی يك باره از مرحله توحش و زندگی بدوی قدم به عالیترین درجه کمال گذاشته باشند .

هر ملتی که در جهان آوازه و شهرتی بدست آورده و مقامی برای خود باز کرده ، روزی طفل دبستان ملت دیگری بوده است مثلاً اگر یونان با عظمت خیره کننده خود مهد علم و فلسفه شناخته شده باید توجه داشت که روزی نوآموز مصریان و کلدانیان بود ؛ و اساس فلسفه خود را تا حدی از این اقوام اقتباس نموده است .

رومیان نیز با تمام نام و شهرت ؛ جیره خوار مکتب یونانیان بودند و تنها مقدار کمی بر آنچه از یونان گرفته بودند افزودند .

بنابراین جای تعجب و اشکال نخواهد بود اگر در تاریخ تمدن اسلام به بینیم که مسلمین وقتی بفکر بدست آوردن علوم (علوم غیر اسلامی) و صنایع افتادند در زمان خلفای اموی و اعباسی

از دانشمندان ایرانی یا یونانی وهندی دعوت کردند تا بکشورهای اسلامی آمده و در مدارس بتدریس بپردازند و یا همت گماشتند که کتاب علمی که بزبان پهلوی و سریانی و یونانی بود بزبان عربی (که زبان رسمی مسلمانان بود) در آورده و در دسترس تدریس و مطالعه قرار دهند .

امتیاز مسلمین از یونانیان و رومیان

جامعه شناسان وقتی جامعه اسلام را با ملل دیگر در طول تاریخ مقایسه میکنند به برتری و نبوغ آنان پی میبرند تا آنجا که یونانیان و رومیان و سایر اقوام نیز بآن پایه نبودند ، زیرا یونانیان اگر چه قدرت و ابتکار فوق العاده در فلسفه و علم از خود نشان دادند و واضع بسیاری از علوم شدند ولی بهمان اندازه در تاسیس حکومت و تدوین قانون ضعیف بودند و بیشتر ایام خود را بحال ملوک الطوائفی گذراندند و نیروی خود را در جنگ ها و کشمکش های داخلی بکار بردند . رومیان بعکس در تاسیس حکومت و تنظیم قوانین و مقررات توانا بودند ولی ابتکار و تحقیق نداشتند و علم و فلسفه را از یونانی ها اقتباس کردند و بر آن چیز مهمی نیفزودند ، نقطه های قوت هر کدام از دولت بطور روشن و بارز در مسلمانان دیده میشود ، مسلمانان هم مانند یونانیان دارای قدرت ابتکار بودند چه بعد از آنکه قسمتی از علوم و فلسفه را از یونان گرفتند از آن میختن با معقولات خود و منقولات علوم ایران و هند و کلد ، تحقیقات تازه ای بوجود آوردند و نیز واضع و مبتکر بسیاری از علوم مانند صرف و نحو عربی و تفسیر و حدیث و کلام و تحقیقات وسیعی در علوم طبیعی بودند .

در عین حال بمراتب بهتر از رومیان توانستند دولت بزرگی تشکیل داده و کشورهای را تحت تصرف خود در آورند و قوانین و مقرراتی که از منبع وحی بود در منطقه وسیعی از جهان گسترش دهند .

چگونه مسلمین بفکر آموختن این علوم افتادند ؟

انگیزه مسلمانان در توجه و یاد گرفتن علوم خارجی در درجه اول همان تاکید و تحریضی بود که از قرآن کریم و رسول اکرم (ص) درباره علم شنیده بودند ، پیغمبر اکرم مکرر میفرمود : حکمت و دانش گمشده مؤمن است از هر که بشنود فرا میگیرد و اهمیت نمیدهد که از کی است و چه شخصی آنرا گرفته است !

ولی تا پایان قرن اول و قسمتی از قرن دوم هجری یعنی در تمام دوره خلفای نخستین و خلفای اموی در نواحی مختلف کشورهای مجاور سرگرم فتوحات بودند از اینرو فرصت زیادی برای توجه بکارهایی غیر از مسائل درجه اول مذهبی و تشکیلات کشوری نداشتند ولی از آن هنگام که

مردم ایران و عراق و قسمتی از آسیای صغیر و سایر ملل مجاور بحر الروم با مسلمین اختلاط و آمیزش پیدا کردند و بتدریج در کارهای مختلف اداری و اجتماعی وارد شدند .

در درجه دوم پاره‌ای احتیاجات عمومی مانند حاجت بمسائل طبی و ریاضی هم مسلمین را وادار بتوجه بعلوم عقلی نمود .

نخستین کتابیکه ترجمه شد .

نخستین ترجمه‌ای که از علوم بیگانه بزبان عربی صورت گرفت توسط خالد بن یزید بن معاویه است که او را حکیم آل مروان می‌گفتند . خالد پس از مرگ برادرش «معاویه دوم» بفکر خلافت افتاد ولی مروان بن حکم او را شکست داد و خلافت از خاندان ابی سفیان بچاندان مروان انتقال یافت و همینکه خالد از خلافت ناامید شد دنبال تحصیل رفت و ایگاش سایر افراد این خاندان که حکومت اسلامی را غصب کردند و بهیچوجه شایستگی نداشتند استمدادهای خود را در این راهها صرف میکردند شاید نتیجه‌ای از آن عائد میشد، بهر حال در آن زمان علم شیمی در مدرسه اسکندریه بسیار رائج بود . خالد عده‌ای از فارغ التحصیلان آن مدرسه را بشام آورد تا باوشیمی درس دهند از آن جمله راهبی بود رومی یا سوریائی بنام مریانوس یا ماریانوس که بخالد درس شیمی آموخت و نیز کتابی برای او نوشت .

چون خالد در شیمی اطلاعاتی بدست آورد در صدد ترجمه بعضی از کتب شیمی برآمد و مردی بنام استفان را برای اینکار انتخاب و مأمور کرد و او برای نخستین بار کتاب «کیمیای شیمی» را ترجمه نمود (۱) .

ابن ندیم در الفهرست بعد از بیان این مطلب که اول کسیکه کتب طب و نجوم و کیمیای شیمی) برای او ترجمه شد خالد بن یزید بوده چند کتاب را با او نسبت میدهد مانند کتاب «الصحيفة الكبيرة» و کتاب «الصحيفة الصغیرة» و کتاب «وصیته الی ابنه فی الصنعة» (۲)

ابن خلکان نیز مهارت و استادی خالد را در شیمی و ترجمه کتابها در شیمی و طب با مر او را نقل میکند (۳)

صاحب کشف الظنون میگوید خالد بن یزید اول کسی است (در مسلمین) که در علم شیمی سخن گفت و در این رشته کتاب نوشت . (۴)

(۱) تاریخ تمدن اسلام تألیف جرجی زیدان ص ۲۰۸ جلد سوم .

(۲) فهرست ابن ندیم ص ۴۹۷ چاپ مصر .

(۳) وقیات الاعیان ابن خلکان جلد اول ص ۱۸۵ .

(۴) کشف الظنون جلد دوم ص ۱۵۳۱ .

ولی بعضی از محققین قدیم مانند ابن خلدون و برخی از محققین مغرب در انتساب این کتب بخالد تردید کرده اند و بعضی آنرا افسانه پنداشته ، و گفته اند کتاب موریا نوس که ترجمه لاتینی آن از ۱۱۸۲ مسیحی بوسیله روبرت کاسترنسیس موجود است از زمانی خیلی متأخر از عصر خالد بن یزید است که در سال ۸۵ هجری وفات یافته (۱) .

اگر از کتب کیمیا که بمهد خالد بن یزید نسبت داده شده صرف نظر کنیم اول کتابی که از یونانی عبری ترجمه شده کتابی است با اسم «عرض مفتاح النجوم» در علم احکام نجوم که به هرمس (۲) منسوب است (۳) و نسخه ای از این کتاب در ماه نوامبر سال ۱۹۰۹ مسیحی پیدا شد که در آن نسخه صریحاً نوشته شده که ترجمه این کتاب در ذی القعدة سال ۱۲۵ هجری وقوع یافته است .

(۱) ابن خلدون در مقدمه چنین میگوید : . . . بعضی از شیوه ها و گفتارهای این فن (کیمیا) را به خالد بن یزید نسبت میدهند ولی بطور آشکار معلوم است که خالد از نسل عرب بشمار میرفته است و بروزگار بادیه نشینی نزدیک بوده است و چنین کسیکه بکلی از علوم و صنایع بهره ای نداشته چگونه میتواند در این دانش بتحقیق پردازد . مگر اینک بگوئیم خالد بن یزید دیگری است که نامش با او شباهت داشته است (مقدمه ابن خلدون ص ۱۰۷۷ ترجمه محمد پروین) .

(۲) کتابهای یونانی در علوم غریبه مانند احکام نجوم و کیمیا و سحر و غیره به هرمس نامی منسوب بوده اگرچه خود هرمس یک حکیم موهومی است که وجود نداشته و این لفظ یونانی اسم یکی از ارباب انواع بوده که در مصر شهری یافته بود لکن کتب یونانی منسوب با او وجود داشته و البته تالیف اشخاص دیگری بوده است . نقل از کتاب تاریخ علوم در اسلام

(۳) الفهرست ابن ندیم صفحه ۲۶۷

چیزیکه خانه هارا ویران میکند

رسول اکرم (ص) میفرماید : چهار چیز در هر خانه راه پیدا کند موجب خرابی و سلب برکت میشود : خیانت ، دزدی ، شرابخواری و بی عفتی .

(نقل از سفینه البحار)